نقش تزیینات در معماری سنتی در جهت ارتقا حس تعلق به مکان
محمد بهزادپور، مهسا خشایار

صص ۴۴-۵۴

بازبینی حکمت نور در معماری اسلامی بر اساس اصل اشراق (نمونه موردی:مسجد امام اصفهان)

محمد بهزادپور[۱]، مهسا خشایار[۲*]

۱- گروه معماری؛واحد هشتگرد؛دانشگاه آزاد اسلامی؛هشتگرد؛ایران
Email:Mohammad.behzadpour@hiau.ac.ir
۲- پژوهشگر مقطع کارشناسی ارشد معماری،دانشگاه رجا قزوین،ایران(نویسنده مسئول*)
Email:khashayarmahsa5@gmail.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

نقش نور در معماری اسلامی از جایگاهی بالا برخوردار است.معماران در گذشته با تکیه به نظرات بزرگانی چون سهروردی جنبه عرفانی ومقدس بنا را با بهره گیری از شیوه هایی در طراحی فضا و همچنین استفاده نور و خواص آن که در حکمت اشراق سهروردی به آن اشاره شده است القا می‌کنند.به جرات می‌توان گفت که نور عامل‌ترین صفت حق(و وجود او)در تمامی ادیان بوده است.عرفا نور را گاها عقل و گاهی عشق نامیده‌اند،گاهی قسمتی از عقل را نور نامیده‌اند و گاه خالق را نور دانسته‌اند.توالی نور و تاریکی ابزاری است برای بالفعل درآوردن ترتیب فضایی،لزوم استفاده نور در مساجد برای این بوده است که تکراری از روشنایی و تاریکی در فضا داشته باشیم به گونه ای که بخش‌های روشن پرانرژی و جذاب است و بالعکس نقاط تاریک ساکت و خالی از انرژی است.

کلید واژگان: نور،معماری اسلامی،حکمت نور،اصل اشراق،معماری ایرانی

۱-مقدمه

از آنجایی که معماری مظهر و تجلی عینی اندیشه هاست لذا این اندیشه ها هستند که توانسته اند به خلق فضایی جذاب و خاص بپردازند بطوریکه برای همیشه در ذهن فرد ماندگار شود .معماران بسیار ماهرانه و زیرکانه از نکاتی همچون رعایت نظم در عناصر،اجزا و فضاها استفاده کرده اند تا بتوانند حس مکان را القا نمایند،آن ها با استفاده از عناصری همچون نور توانستند به فضا معنا دهند و حس معنوی خاصی را به بیننده منتقل کنند و او را به بعد روحانی مکان نزدیک کنند.نور منبع فضا نیست بلکه در نقش متذکر به آیه((الله نورالسموات والارض))ایفای وظیفه می کند و کالبد سنگین و بی شکل سنگ و آجر را روح و جان تازه می بخشد و از این منظر به عنوان مظهر و نماد وجود در فضای معماری اسلامی تلقی می شود.نور در معماری اسلامی همواره اشاره به نورالانوار(منبع جهان هستی)دارد که به زیبایی و بارعایت اصول هندسی به کار برده شده است.بیننده در ابتدا با ورود به این بناها از طریق ویژگی بصری و با قرارگیری در فضایی متنوع به درک بالایی از عالم معنا می رسد و حس تازه‌ای در او ایجاد می شود. دلیل ایجاد این حس در معماری اسلامی علی‌الخصوص مساجد به عنوان زلال‌ترین و شفاف‌ترین عنصر در تسهیل کنندگی و تشدید کنندگی عروج از نازل‌ترین مرتبه هستی و عالی‌ترین مراتب آن است((این عروج و سیر و سلوک به معنای انتقال از مقامی به مقام دیگر،از اسمی به اسم دیگر و از تجلی به تجلی دیگر می‌باشد.(نصر۱۳۶۳،۲۲۴) حال این سوال مطرح است که:معماران چگونه و با استفاده از رعایت کدام اصول توانستند این حس معنوی را در بیننده ایجاد کنند؟ودیگر اینکه استفاده نکردن از نور در معماری مدرن باعث چه عواقبی خواهد شد؟در این مقاله به بررسی نقش عملکرد نور در ارتقا کیفیت فضا و بررسی نور در تعالی و نزول ویژگی های معماری اسلامی پرداخته شده است.

۲-پیشینه تحقیق

معماری اسلامی حاصل معنویتی است که به مدد اندیشهٔ پاک معماران کشورهای اسلامی اندک اندک به شکوفایی رسید تا جایی که در مکتب اصفهان به بالاترین درجه شکوفایی و سازمندی دست یافت،مرتبه ای که از آن می‌توان به تبلور حکمت معماری اسلامی یاد کرد.(مهدوی نژاد،۱۳۶۳)حال باتوجه به اهمیت معماری اسلامی با مطالعه چندین پژوهش در این زمینه به نتایجی می‌توان رسید که به طور خلاصه در جدول ۱ به نمایش گذاشته شده است.

با بررسی مقالات فوق می‌توان گفت که در اصل اشراق همواره مهم‌ترین رکن نورالانوار است.نور در معماری اسلامی همیشه به منزله روشن کردن فضا نیست بلکه جنبه عرفانی داشته و تمام تلاش معماران ایرانی در دوره اسلامی این بوده است که مهم‌ترین اصل تفکر اسلامی که توحیداست را با استفاده از تزیینات و به‌کارگیری آرایه‌هایی در فضا به نمایش بگذارند.

۳-روش تحقیق

پژوهش حاضر از سنخ پژوهش‌های مروری-تحلیلی است.شیوهٔ پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده است و در راستای جمع آوری اطلاعات از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است.در مقاله حاضر نور از دیدگاه بزرگانی چون سهروردی،ابن عربی،امام محمد غزالی و نجم الدین کبریبررسی شده است و در ادامه به بررسی نور از دیدگاه

اشـراق سـهروردی ،لزوم اسـتفاده از نور در معماری اسـلامی،تجلی نور در معماری مساجد ورابطـه مـا بیـن هنر و حکمـت پرداخته شـده اسـت و درگام نهایـی تحلیل نمونـه موردی مسـجد امام اصفهان انجام شـده اسـت.

جدول شماره ۱:پیشینه تحقیق(ماخذ نویسندگان)

ردیف	عنوان	سال چاپ	انتشارات	نویسندگان	خروجی
۱	بررسی نقش نور در تبیین توالی فضای معماری مساجد،نمونه موردی: (مسجد شیخ لطف الله)	۱۳۹۱	نشریه پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان	بمانیان، محمدرضا عالینسب، محمدعلی	نور در معماری اسلامی همیشه نقش روشن کردن فضا را نداشته است بلکه گاهی جنبه عرفانی داشته و قادر بوده که اجزای فضا(رنگ،بافت و..)را تحت تاثیر قرار دهد.نور نقش کاربردی در توالی فضا در سه مولفه مکث،حرکت و تاکیدداشته است.
۲	تجلی حکمت اشراق در معماری مکتب اصفهان	۱۳۹۳	مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی افق های جدید در معماری و شهرسازی	شیرخان امامی،فاطمه	در فلسفه اشراق همواره شاخص ترین رکن نورالانوار است و مهمترین رسالتش این است که هستی غیر ازنور چیزی نیست.به نظر سهروردی مرتبه وجودی همه موجودات بسته به درجه قرب آنهابه نور اعلی و درجه منور بودن آنهاست.
۴	فلسفه نور در معماری اسلامی	۱۳۹۶	سومین همایش ملی معماری و شهر پایدار	سربخشیان،بهنام حجازی، معینه السادات	فلسفه اشراق بر نور و ظلمت است و چنانکه موجودات بالذات و بالعرض هستند نور نیز بالذات و بالعرض است که نور حسی و عقلی است .نور به خاطر روشن کردن عالم که مسیر حرکت زندگی را نشان می دادهمورد توجه بوده و یک حس خدایی را القا می کرده است.
۵	بازنمایی تاثیر حکمت اشرق بر شکل‌گیری ساختار فضایی در معماری اسلامی ایران	۱۳۹۶	کنفرانس بین‌المللی مطالعات نوین در زمینه عمران، معماری، شهرسازی با رویکرد ایران اسلامی	فتاحی جم،سمیرا پژمان ضیایی،ناجی	در معماری اسلامی با ارتفاع دادن به بنا و نورپردازی برروی سطوح و استفاده از پنجره واقع در دالان‌ها و مکث در هشتیها سیر حرکت انسان از عالم معنا به خیال را به تصویر کشیده است.

پرتال جامع علوم انسانی

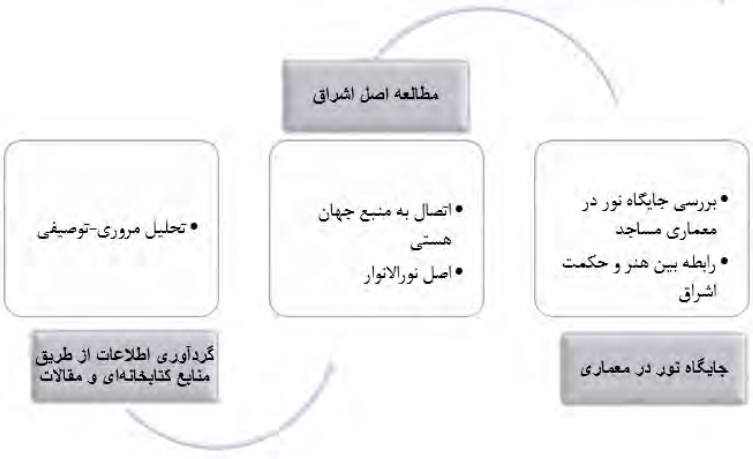

نمودار۱: روش تحقیق، ماخذ: نگارندگان

۴-مبانی نظری

۴-۱-نور از دیدگاه بزرگان

نور از دیدگاه	نظرات نور	بالاترین درجه نور	درک نور	جمع بندی
سهروردی	تقسیم بندی نور به ۱-نور مجرد ۲-نور عرضی ۳-غسق ۴-هیئت ظلمانی ۵-برزخ، هیئت یا هیئت شی مانندکه انوار را آشکاروپنهان می‌کند.	نورالانوار	سلسله مراتبی	نور مطلق خداست و نزدیکی به نورالانوار موجب افزایش قدرت حضور باشد.
ابن عربی	نور را رمزی از وجود می‌داند.نور از میان شیشه های رنگین می‌گذرد و رنگهای گوناگونی روی آینه عدم که اعیان ممکنات باشد منعکس می‌کند.	نورالانوار	سلسله مراتبی	
امام محمد غزالی	اعتقاد دارد نور در وضع نخست در نزد عوام،،در نزد دوم نزد خواص و در نزد سوم نزد خواص الخواص شناخته می‌شوند.	نورالانوار	سلسله مراتبی	منبع تمام نورها خداست.
نجم الدین کبری	نور در مرتبه جسم و ماده ضعیف‌تر از نور در مراتب عالی‌تر است،یعنی هرقدر به منبع نور حضرت نورالانوار نزدیک‌ترشوید،نور شفاف‌تر و خالص‌تری حاصل می‌شود.	نور سیاه	سلسله مراتبی	حرکت وعروج به سمت منبع وجود(نورالانوار)

جدول شماره۲،نظر دانشمندان در رابطه با نور،ما خذ:بمانیان،عالی‌نسب،سال۱۳۹۱

۴-۲-نور از دیدگاه سهروردی

شیخ شهاب الدین سهروردی حکیم برجسته و پایه‌گذار حکمت اشراق بوده است. وی خدائند را نورالانوار می‌خواندومعتقد است که آسمان و زمین از نور خداوند به‌وجود آمده است.سهروردی در تفسیر((الله نور السموات والارض)) می‌گوید:حق اول نورالانوار است زیرا که خود اعطاکننده حیات و بخشنده نور است،ظاهر است به ذات خود ونمودارکننده و آفریننده جهان وجود است.(سجادی،۱۹۸۴،۶۶)سهروردی نور را امری بدیهی،ظاهر و بی‌نیاز می‌داند،به نظر وی((اگر در وجود چیزی بی‌نیاز از شرح و تعریف باشد آن امر ظاهراست و چیزی ظاهرتر از نور نیست،بنابراین نور بیش از هر چیز دیگر مستثنی از تعریف است.(سمنانی،۱۹۹۰،۱۰۶).سهروردی جهان هستی را در مقوله نور جوهری،نور عارض،ظلمت جوهری (جسم) و هیئت‌های ظلمانی طبقه بندی کرده است.او می‌نویسد هر چیزی یا در نهاد خود نوروروشنایی است یاآنکه از نظر نهادش نوروروشنایی نیست بنابراین موجودات جهان دو قسم‌اند:موجوداتی که از نورند،موجوداتی که نهادشان ظلمت است،خود نور با موجوداتی که حقیقتشان نور است،دو قسم هستند،یکی از آنها در وجود خود وابسته به دیگری‌اند که آنها را نور عارض می‌نامم،دیگرآنها که در وجودشان وابسته به دیگران نیستند که آنها را نور مجرد می‌نامم.نور مجرد به انوار قاهره و انوار اسپهبدیه تقسیم می‌شوند،انوار قاهره نیزدو قسم هستند:الف)قواهر طولی ب)قواهر عرضی.موجوداتی که در نهاد خود نور نیستند بردو قسم‌اند:یکی از آنها که بی‌نیاز از محل‌اند،انها را جوهر تاریک می‌نامم،دیگرآن‌ها که وابسته به موجودات دیگرند آن‌هل را عرض‌های ظلمانی(هیئت ظلمانی) می‌نامم. (سهروردی،۱۹۹۴،۱۰۷)

ازنظر سهروردی موجودات جهان به اعتبار نور و ظلمت براساس شکل زیرتقسیم‌بندی می‌شوند.

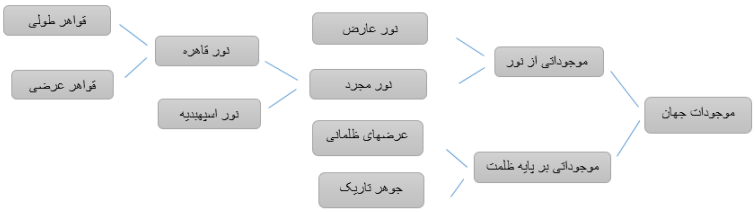

نمودار۲ ،تقسیم بندی موجودات جهان به اعتبارنور وظلمت ،ماخذ:رهبرنیا، روزبهانی،سال ۱۳۹۳

سهروردی در کتاب المشارع و المطارحان در فصل((فی السلوک الحکما المتالهین)) انوار وارد بر نفوس سالکان را به چند نوع تقسیم می‌کند:۱)نور خاطف۲)نور ثابت ۳)نور طامس(خوش‌نظر،۴۰ ،۲۰۰۷).سهروردی همچنین معتقد است که جماعتی از حکیمان روشن‌روان و مجردان صاحب بصیرت ار این لذت دیدار در همین عالم نصیب می‌یابند و نور عالم اعلی را در همین عالم به صراحت می‌بینند و در آن غرق می‌شوند و خوشی‌ها می‌یابند(خوش‌نظر،۲۰۰۷ ،۴۲)

۴-۳-نور در معماری اسلامی

معماری اسلامی در ایران تأکید ویژه‌ای بر نور دارد. این معماری همواره بازتابنده مکان مقدس، حیات و حضور نور است و بر روح آدمی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، فضای درون مسجد، اساساً به نحوی ساخته شده است تا حضور خداوند را القا کند و فرد مؤمن از هر سو خود را در احاطه این حضور ببیند که: واهلل من ورائهم محیط»(خوش نظر،۱۳۸۸،ص ۷۲)حضور الهی در معماری اسلامی یا به صورت مساجد یکدست سپید و ساده نخستین که فقر و سادگیشان یادآور غنی مطلق است،جلوه‌گر می‌شود یا در قالب نماها، طاق ها و گنبدهایی ماهرانه رنگ‌آمیزی شده‌اند و در توازن و هماهنگی خود، گویی تجلی وحدت در کثرت و بازگشت کثرت به وحدت را بازگو می‌کند.(نصر،۱۳۷۰،ص۶۸) در معماری اسلامی سنگین و بی ماده شکل با تبدیل به طرح‌های تزئینی و اشکال مقرنس و مشبک، گویی به اشیایی ماورایی بدل شده‌اند.دیگر ماده درونی اتاق ها، سنگ و آجر نیستند بلکه به صورت اسرارآمیزی از خود نور ساطع می‌کنند و خود به خود انسان مؤمن را متذکر((نورالسموات و االارض)) می‌کنند. وقتی معماری به صورت جهانی روشن درمی‌آید، به یک تکامل بلوری رسیده است(خوش نظر۱۳۸۸،ص۷۲).وقتی وارد فضاهای معماری دوران اسلامی می‌شویم، اولین چیزی که با آن مواجه می‌شویم وجود نورگیرها است که بیان کننده حضور فعال نور در محیط است. نور در معماری حضوری مستقیم دارد ولی همیشه با استفاده از نورگیرها و شیشه‌های رنگی به کار رفته در آن به صورت تعدیل شده در آمده است. نور طبیعی که وارد فضا می‌شود همواره از جهتی خاص است آنچنان که به گفته مایس «در فضاهای معماری ایرانی به دقت از سلسله مراتب نور و تاریکی در فضاها است که میزان اهمیت آن ها را مشخص میکند(مایس، ۱۸۱۴ ،ص ۲۷) حضور نور در دو بُعد از مهم‌ترین ابعاد هنری سالم، یعنی معماری و نقوش تجریدی اسلیمی و نگارگری، جلوه و حضوری ذاتی است. به عبارت دیگر این نور است که تعیین کننده هویت ذاتی اثر هنری است یعنی نه تنها اثر را نماد جلوه نورانی وجود قرار می دهد،بلکه به‌آن شکوه و جلالی می‌بخشد که بی‌واسطه مصور «اهلل نور السموات و االارض» میگردد. بدین ترتیب شرح و تحلیل نور در تبیین هویت هنری اسلام، عاملی دو سویه است. زیرا از یک سو بر منشأ هنر تأکید دارد و از دیگر سو به جلوه زیباشناسانه هنر. بنابراین تأمل در سرگذشت نور در تمدن اسالمی، ضروری است(بلخاری قهی،۱۳۸۸،ص۲۴۰).

به جرات می‌توان گفت: (نور)عامترین صفت حق (و وجود او) درتمامی ادیان و مذاهب، از مذاهب ابتدایی گرفته تا ادیان پیشرفته و حتی فرهنگ ها و تمدن هاست. در مذاهب ابتدایی انسان سعی داشته با استفاده از تجلیات بارز طبیعی ، نیاز پرستش و ستایش خود را پاسخ گوید. خورشید، بارزترین نمود خدایی سراسر نور و روشنایی، در این مذاهب نسبت ناگسستنی با نور دارد، اما خورشید تنها نمود نور نیست بلکه ستارگان و ماه نیز نماد نورند و خورشید، بزرگترین جلوه نور است. عظیم ترین آیه قرآن در مورد نور، آیه ۸۷ نور است. از دیدگاه مفسران اسلامی، آیه فوق بیانگر این حقیقت است که:(خدای تعالی دارای نوری است عمومی که با آن آسمان و زمین نورانی شده و در نتیجه به وسیله آن نور در عالم وجود حقایق ظهور نموده است.)

۴-۴-تجلی نور در معماری مساجد

بررسی فلسفه نور در معماری اسلامی را از مسجد شروع می‌کنیم، زیرا از یک سو خانه خداست و از دیگر سو کامل‌ترین نماد معماری اسلامی است. معماری در اسلام با مسجد آغاز می‌شود زیرا اولا قرآن، معماری مسجد را صفت مؤمنان به خدا و قیامت و نیز نمازگزاران و زکات‌دهندگان می‌داند. ثانیاً مسجد، تمامی کارکردهای معماری را یکجا در خود داراست. (بلخاری قهی،۱۳۸۸،ص۲۴۱)

روبرت هیلن‌برند در کتاب معماری اسلامی، مسجد را جلوه کلیه رمز و رازهای معماری اسلامی می‌داند و معتقد است از همان ابتدا نقش نمادین آن از سوی مسلمانان دریافت شد و سهم خود را در خلق شاخصهای بصری مناسبی برای این بنا باز کرد که از آن میان می‌توان به شاخصهایی نظیر گنبد، مناره و منبر اشاره کرد(هیلن برند،۱۳۸۰،ص۳۱). بنابرسخن هروی،شارح حکمه الاشراق،می‌توان گفت منظور او مسجد است که کالبدی در عالم کون و ظلمات می‌باشد و به عنوان یک فضای روحانی،صاحب باطن مخلص را،از طریق عبادت روحانی و نفسانی،به منبع نور و معدن علم می‌رساند و حقیقت اشیا بروی آشکار می‌گردد(شفیعی وبلخاری،۱۳۹۰:۲۹)درواقع بنای مسجد به گونه‌ای است که گویی تشعشع نور از دل اوست و دبا این کار تمام کدورت و کثیفی را از کالبد مادی می‌زداید.باتوجه به سخن سهروردی که می‌گوید:»نور محض،سرچشمه هستی،جمال ،کمال ونیکی است و هرلحظه هستی و زیبایی،مجذوب و عاشق این نور و جمال مطلق است.»برای وصول به آن باید به کمال جان (زیبایی جان)رسید.چنان که می‌گوید،زمانی که شخص خود را پاک و تمام کرده و به جواهرروحانی که با ایشان مشابهتی دارد،بپیوندد و با رهایی از بند نفس و در سایه عمل صالح،شایستگی قربانی گاو نفس را پیدا کند،به نفسی زیبا دست میابدکه نوعی کیماگری جسم و روح است و رسیدن به نوعی معرفت شهودی است(سهروردی،۱۳۷۵،ج۳:۲۸۹-۲۹۱)

نقش نور در معماری مساجد نمودی از اصل تجلی است.به گفته بورکهارت «هنرمندی که بخواهد اندیشه وحدت را نمودار سازد سه وسیله در اختیار دارد،یکی هندسه که وحدت را در نظم فضایی جلوه‌گر می‌سازد و دیگر وزن(ریتم)که وحدت را در نظم دنیوی و نیز غیرمستقیم در فضا نمودار می‌سازد و سوم نور که نسبت آن با شکل‌های قابل رویت مانند وجود مطلق است،به موجودات می‌رود ونور در واقع به خودی خود دیدنی نیست و سرشت آن با تقسیمات آن به رنگ‌ها،دگرگونی یا افزایش و کاهش آن به درجات میان نور و تاریکی،کاستی نمی‌پذیرد.»(بورکهارت،۱۳۶۵،ص۸۷)

اهداف استفاده از نور در معماری مساجد:

(راست)جلوه نور در مسجد شیخ لطف الله، منبع: www.radiojavan.ir
(چپ) جلوه نور در مسجد نصیرالملک، منبع:www.khorasa.iqna.ir

۱-نـور بـه عنوان منبع روشـنایی در اماکن مذهبی از جمله مسـاجد با درجاتـی از قوی‌ترین طیـف تا ضعیف‌ترین همـواره مورد توجه قرار گرفتـه و به کاررفته اسـت.گرمایش طبیعی بر اسـاس عنصر طبیعی نور از دیگر موارد کاربرد این عنصر در مسـاجد اسـت.(محمدیارزاده ویغمایی:۲۱۹-۲۱۶)

۲-شـفافیت و بازتـاب نور چـون روح،همواره جذابیـت و زیبایی خاصی به کالبد خشـک و صلـب معمـاری بخشـیده اسـت.این جذابیت بـا ارزش‌های معنـوی در هـم آمیخته و لطافت‌هـای فضـای عرفانـی را دو چندان می‌سـازد(همان:۲۲۳)

۳-معمـاران مسـاجد همواره کوشـیده‌اندجمال حق را کـه برترین زیبایی‌هاسـت به نوعی در ایـن مقدس‌تریـن مـکان جلوه‌گـر کننـد و نور کـه تداعی کننـده انـوار حقیقت،رحمت ومعنویـت الهـی اسـت،بهترین عنصـر بـرای تداعـی ایـن زیبایی‌هاست(سـتاری سـاربانقلی،۱۳۸۰:۴۳۹)

۴-ایجـاد سـایه روشـن‌های ضعیـف وقـوی کـه بسـته بـه نـوع مصالـح و طـرز کاربـرد آنهـا جلوه‌هـای متفاوتـی ایجـاد می‌کنـد کـه هریـک دارای ماهیـت خـاص خـود اسـت(فاینینگر،۱۳۶۶،۲۴)

۵-اسـتفاده از عنصـر طبیعـی نـور یکـی از روش‌هـای نمایانـدن احسـاس است،حسـی کـه از طـراح یـا خالق مسـجد بـه بیننـده انتقـال می‌یابد.هم‌چنیـن مفاهیمـی چون حس حضور،حرکـت و تمرکـز و...را می‌تـوان از طریـق تیرگی‌ها و روشـنی‌ها بـدون ارتباط کلامی و رابطـه ای مسـتقیم انتقال داد و تمرکز بیشـتر داشـت و ایـن دقیقا همان موضوعی اسـت کـه آفرینـنده مسـجد ایرانی به درسـتی بـه آن واقـف بـوده اسـت(محمدیارزاده و یغمایی ،۲۲۵:۱۳۸۴)

معمـاری مسـجد،جلوه‌گر تفـاوت آشـکار میـان درون و بـرون بناهـا خواهـد بود.آدمـی با گشـت میـان داخـل و خارج،سـیر میـان وحـدت و کثـرت وخلـوت وجلـوت می‌کند،بـه گونـه‌ای که معماری مسـجد نمی‌خواهدهکه امـور را در صرف ظاهر به تمامیت رسـاند و از سـیر و سـلوک در باطن چشم‌پوشـی کنـد و به همیـن اعتبار،هنر و هنرمندی بـه معنی عام در تمـدن اسـلامی،،عبادت و بندگی وسـیر وسـلوک از ظاهر به باطن اسـت(ر.ک:احمدی ملکی،۱۳۸۷:ص۱۶)

۴-۵-هنر و حکمت اشراق

سـهروردی علم حقیقی را یکسـره شـهودی می‌دانـد وعقل اسـتدلالی را در برابـر عقل کلی (شـهودی) به چراغی کم‌سـو در برابر خورشـید تشـبیه می‌نماید.لـذا ادراک حقیقـی در نزد وی ادراک شـهودی اسـت و ادراک شـهودی نیـز نخواهـد بـود.کار هنـری هنگامـی واقعی اسـت که هنرمند شـهودی معنوی داشـته باشـد به این ترتیـب اثر هنـری تصویری حقیقی از حقایـق می‌سـازد و ایـن هنرمند اهل شـهود اسـت که قادر به سـاختن چنیـن تصویری اسـت.بنابراین اثـر هنـری نـه فقـط بازتـاب ذهنیـات پراکنـده و احساسـات متفـرق یک

هنرمند نیست.(کمالی زاده،۱۴۲،۲۰۱۰)هنر و حکمت هردو از طریق شهود دریافت می‌شوند و به زبان رمزبیان می‌گردند.حکیم و هنرمند اشراقی هردو اصل حقیقت و زیبایی را در آن عالم مشاهده می‌نمایند و در این عالم به ربان رمزبیان می‌کنند اما این عقل شهودی سرچشمه‌ای الهی دارد و هم‌چون عقل استدلالی همگانی نیست و از طریق فکر حاصل نمی‌شوند،بلکه به صاحب ریاضت و مجاهدت اعطا می‌گردد. از این طریق است که هنرمند می‌تواند آن بصیرت فرشته خویانه را که منبع تمامی هنرهای قدسی است به دست آورد.لذا گفته‌اند((سرآغاز سنت،نخستین آثار هنر قدسی اعم از هنرهای تجسمی و صوری به دست خود فرشتگان خلق شده‌اند.)) (نصر،،۴۹۷،۲۰۰۷)

هنرمندی که در عرصه هنر کار می‌کند روح درونی خود را بر جهان بیرون می‌تاباند.ضمیر پذیرای بیننده که از تمییزات حسش برانگیخته شده،صورت‌ها به ((درون))درمی‌آورد و دایره ارتباط را کامل می‌کند.زیبایی یا((جمال)) امری برون ذهنی است،یعنی در درون ساخته ماوا داردنه در درون بیننده که گاه مستند درک آن است و گاه نیست.اصالت ازطریق هم‌نهاده‌هایی جاویدان می‌گردد که این سلسله انتقال را اتساع می‌دهند،حافظ اصول معنوی‌اند و در عین حال مظاهر گونه‌گون وحدت را گسترش می‌دهند.(اردلان و بختیار،۱۰،۲۰۰۹).هنر ایرانی که پیوندی عمیق و نزدیک با حکمت اشراق دارد،بیشتر در صدد نمایان ساختن فضایی است متفاوت با فضای عالم جسمانی،از آن جا که نور نماد اندیشه بنیادین اسلام یعنی وحدانیت است وشیخ اشراق برآن بسیار تاکید کرده است و هیچ رمزی نیزعمیق‌تر از نور برای بیان وحدت الهی وجود ندارد،از این رو هنرمند مسلمان در آفرینش و ارائه اثرهنری درصدد آن است که نور را در جان محقق سازد و آن را در اثر خویش به هزاران منعکس گرداند.

۵-تحلیل یافته ها

حال به بررسی ساختار مسجد امام اصفهان برطبق حکمت اشراق سهروردی می‌پردازیم تا بتوانیم سلسله مراتب تجلی نور را در این بنا مورد مطالعه قرار دهیم. مسجد امام اصفهان از سال ۱۰۲۱ تا ۱۰۴۱ هجری قمری توسط استاد علی اکبر اصفهانی بنا شد.

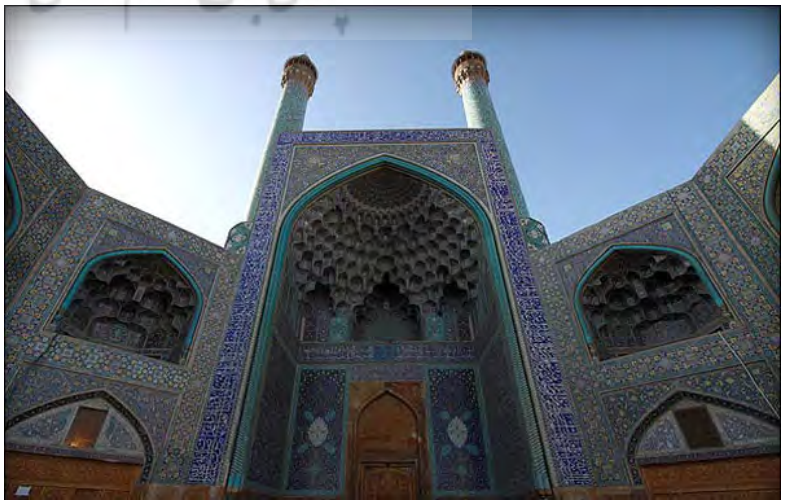

تصویر۱:مسجد امام اصفهان، منبع:www.Raheeno.com

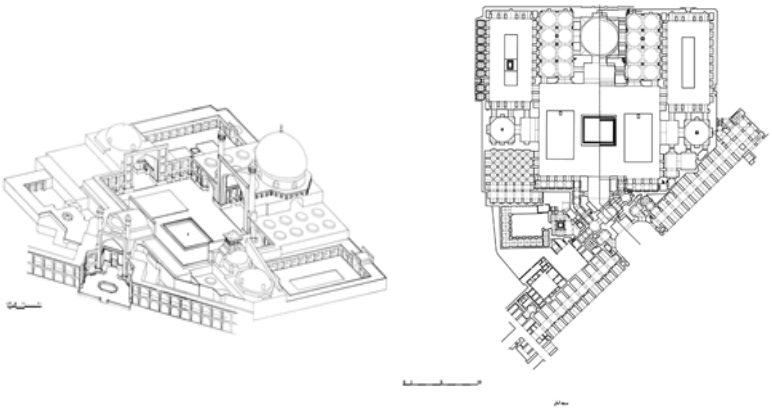

راست: پلان مسجد امام اصفهان،
منبع:www.Pickcad.com
چپ: مسجد امام اصفهان از دید پرنده،
منبع:www.Arel.ir

در ابتـدا بـه تحلیل سـاختار ایـن بنا می‌پردازیم:مسـجد جامـع اصفهان به عنوان بخشـی از یـک مجموعـه عظیـم بانام مسـجد عتیق شـناخته می‌شـود،با توجه به شـواهد تاریخی سـاخت اولیه این بنا به زمان پیش از اسلام و ساسـانیان بازمیگردد.مسجد جامع اصفهان در ابتـدا به شـیوه خراسـانی به شـکل طرح شبسـتان سـتون دار بنـا نهاده شـد وبعدها در شـیوۀ رازی بـه چهـار ایوانـی بدل گشت.مسـجد جامـع اصفهـان دربرگیرنـده بخش‌های مختلفی نظیر صحنی بزرگ به شـکل چهار ایوان،مدرسـه مظفری،شبسـتان‌ها،گنبد نظام الملک،گنبـد تاج الملـک و محراب معروف الجایتو است.

۵-۱-تحلیل بنا بر طبق اصل اشراق

برای وارد شـدن به بنا می‌بایسـت شـخص از جلوخان که رو به شـمال اسـت وارد دهلیزی عالـی و مـدور شـود،دهلیزرو به طاق بلند ایوان شـمالی باز می‌شودوانسـان از عمق تاریک آن ناگهـان بـه حیاطـی روشـن از آفتـاب وارد می‌شـود.که ایـن نحـوه ورود فرد به ایـن بنا بر طبـق اصل اشـراق حکمت خاصی دارد که در جدول زیربررسـی شـده اسـت.

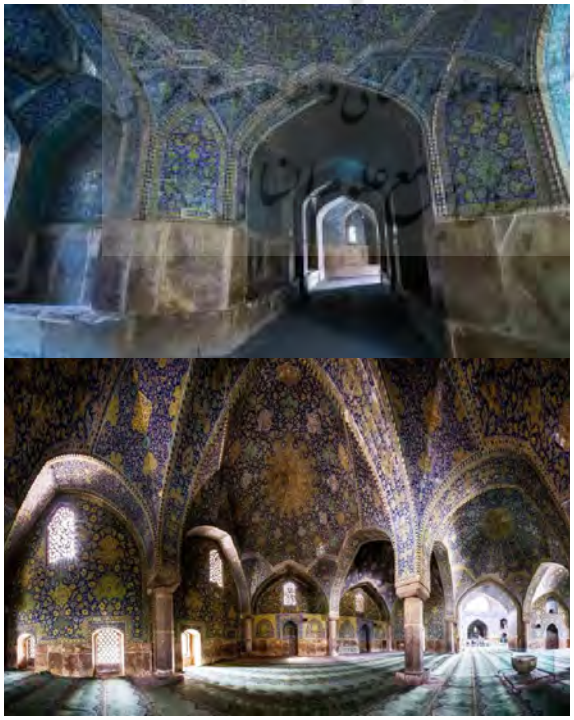

بالا: نمایی از داخل مسجد امام،
منبع:www.Iranlover.ir
پایین: نمایی از دالان ورودی مسجد،
منبع:www.fa.alalamtv.net

نقش تزیینات در معماری سنتی در جهت ارتقا حس تعلق به مکان
محمد بهزادپور، مهسا خشایار

صص ۴۴-۵۴

جدول شماره۲،بررسی خاستگاه اشراقی مولفه‌های فضایی، ماخذ: فتاحی جمع،،پژمان ضیایی،سال ۱۳۹۶

ردیف	اصل اشراق	مولفه فضایی شکل گرفته مبتنی بر اصل اشراق(مسجد امام اصفهان)
۱	میل به اشراق طی سه مرحله (دست شستن از جهان ماده،مشاهده نور الهی حصول علم نامحدود اشراق)	ورود به مسجد طی سه مرحله ورود به جلوخان-دالان تاریک-صحن مسجد
۲	حرکت از تاریکی به سمت روشنایی حرکت از ماده به معنا	عبور از دالان تاریک استفاده ازهندسه به عنوان واسطهٔ ماده و معنا: توجه به اشکال هندسی خاص: مربع، مثلث، دایره و.. ، توجه به هندسه پایداردرپلان، فضای چهار ضلعی گنبدخانه و تقسیم به هشت قسمت(هندسه معنادار)؛ مناره ؛ فضای چهار ضلعی گنبدخانه و تقسیم به هشت قسمت در بخش فوقانی؛ گنبد کروی برپایه مکعب پس از ورود تا رسیدن به فضای مسجد
۳	عالم مثال؛حلقه واسط مجردات و عنصریات صور مثالی چون صور موجود در آینه اند	گنبد: تمثیل وحدانیت؛ عالم لایتناهی، عرش الهی، روح ؛ طاق مقرنس: تمثیفل فیضان انوار نوری از عالم بالا.معانی نمادین رنگ‌ها:استفاده از رنگ‌های مشکی،فیروزه‌ای،سفید،آبی لاجوردی،طلایی.مناره نماد حرکت ازماده به معنا،حرکت از مغرب به مشرق عالم(بعد عمودی بین مغرب و مشرق هستی).معنی ضمنی اعداد چهاروفرم مربع(نماد چهار عنصر مادی)وهشت (عدد رمزی خورشید):فضای چهار ضلعی گنبدخانه(نمودار کیهان)،چهار مناره،سنگاب‌ها برپایه هشت‌ضلعی،شمسه زیرگنبد(ستاره هشت پر) حوض مقابل ایوان مغربی
۴	تشابه نورالانوار با دیگروجوه نور:کمال نورالانوار و سایر درجات نور طبق کمال و نقصان خورشید:نورالانوارعالم اجسام،تمثیل معرفت عقلی و شهودی	پنجره‌های مشبک زیرگنبد ودیوارهای داخلی شمسه زیرگنبد :نماد خورشید(نورالانوار):تداعی مفهوم نور،نماد کثرت در وحدت رنگ طلایی زمینه کاشی ها:سمبل نور وخورشید.ارتقای ماده به ضرب نور
۵	زدودن جسم وجسد،لازمه اشراق	طاق‌های مسلسل،بدنه‌های متخلخل
۶	طاووس نماد مرتبه عالی روح بشر	نقش دو طاووس به صورت قرینه در دو طرف کوزه آب حیات به همراه درخت زندگی در سردر ایوان ورودی
۷	همه چیز از ثمره درخت طوبی	نقش درخت طوبی درپوشش بیرونی و درونی گنبد

باتوجه به بررسی انجام شده در مقاله می‌توان گفت که ،در گذشته معماران با استفاده از ترکیب ،تناسب ،تقارن ،استفاده از احجام و رنگ‌ها وشمایلی برای استعاره از مفاهیم نور توانستند که مکانی را طراحی کنند که از نظر روحی با طبیعت سازگار باشد و همچنین باعث ایجاد احساس رضایت در انسان می‌شود که متعاقبا باعث اخلاق خوش در او می‌شود.

۶-نتیجه‌گیری

نور از عوامل موثر برارزش فضایی است و در معماری اسلامی ایران همیشه به منزله روشن کردن کامل فضای معماری به کار نمی‌رود بلکه گاهی جنبه عرفانی و مقدس به خود گرفته و جنبه های دیگر فضا مانند بافت ورنگ را تحت تاثیر قرار می‌دهد.معماران در گذشته بدون اینکه به اطلاعات روز از طریق رسانه دسترسی داشته باشند،در طراحی بنا آگاهی کامل داشتند و توانستند با طراحی شگفت انگیز همچون مقرنس کاری‌های سقف ها که مرکب از طاسه های هم اندازه و عناصر سه بعدی بود و همچنین استفاده از نور و پرسپکتیو و ایجاد سایه روشن به فضا بعد بدهند و ذهن مخاطب خود را از مشغله‌های روزمره دور و به آرامش دعوت کنند،اما امروزه معماران با بهره گیری از اطلاعات روز می‌توانند با کمک نور ونورپردازی علاوه براحساس آرامش،تاثیر بسزایی در شاخص‌های اخلاقی انسان و شکوفایی هوش هیجانی او داشته باشند و همچنین بیننده از طریق ادراک بصری که لزوما جریانی خودآگاه است می‌توانند در ضمیر ناخودآگاه او تصویر و یادی خوش بگذارند.

۷-منابع

۱) احمـدی ملکـی، رحمـان.(۱۳۸۷). مجموعـه مقالات همایش معماری مسـجد: گذشـته، حـال و آینده. جلـد اول. تهران: دانشـگاه هنـر. چاپ اول
۲۱.(ص ۱۳)
۲) بلخاری قهی،حسن ۱۳۸۴.مبانی عرفان هنر و معماری اسلامی.تهران:سوره مهر.
۳) بورکهارت، تیتوس ، هنراسالمی(زبان و بیان)، ترجمه رجبی مسعود نیا، تهران: سروش،۱۳۶۵
۴) خوشـنظر، سـید رحیـم و محمدعلی رجبـی، نور و رنـگ در نگارگری ایرانـی و معماری اسـالمی، کتب ماه هنـر، فروردین۱۸۱
۵) سـتاری ساربانقلی،حسـن(۱۳۸۰)،تجلی عرفان، نور، رنگ،، در معماری مسـاجد.مجموعه مقالات دومین همایش معماری مسجد.تهران،دانشـگاه هنر.
۶) سـهروردی، شـهاب الدیـن یحیـی (۱۵۶۲).حکمـه الاشـراق، ترجمـه و شـرح دکتر سـید جعفر سـجادی، چـاپ دوم، انتشـارات دانشـگاه تهـران، تهـران، ایـران: ۴۲۴ صفحه
۷) شـفیعی، فاطمـه و بلخـاری قهـی، حسـن(۱۳۹۰).تخیل هنـری در حکمـت اشـراقی سـهروردی، مجلـه متافیزیـک ، دوره جدیـد، سـال سـوم، شـماره ۹ و ۱۰ ،بهـار و تابسـتان ۱۳۹۰ ،ص ۳۲-۱۹
۷) فاینینگر،آندریاس(۱۳۶۶).نور و معماری.مجله عکس.ترجمه نصرالله کسرائیان،شماره ۱۲.
۸) مایـس، پیرفـون، عناصـر معمـاری از فـرم بـه مـکان، ترجمهـی مجتبـی دولتخـواه، تهـران: انتشـارات سـیمایدانش، ۱
۹) محمدیار زاده ،سـجاد و یغمائی،سـپیده (۱۳۸۴) . بازخوانی اسـتعاره ایجاز نور در کالبد معماری مسـاجد ایران . مقـالات اولین همایش هنـر و عناصر طبیعت(آب،خاک،هوا،آتـش) ،تهران،فرهنگ
۱۰) نصر،۸ سید حسن، جاودانگی و هنر، ترجمهٔ سید محمد آوینی، تهران: نشر برگ
۱۱) مهـدوی نـژاد، محمّدجـواد (۱۳۸۳).حکمـت معمـاری اسـلامی؛ جسـتجو در زرف سـاخت‌های معنوی معماری اسـلامی ایران.نشـریه هنرهـای زیبا، شـمارهٔ۱۹ ،پاییـز۱۳۸۳،ص۶۶-۵۷.
12) Ardalan,nader and bakhtiar,laleh(2009).the sense of unity.translate by hamid shahrokh,Isfahan,khak publisher
13) Kamalizade,tehran(2010).the metaphycal foundation of art and beauty according to Shahab-addin suhrawardi.tehran.
14) Khosh Nazar, Rahim: (2007) "Light and Zoroastrian Art," Negareh scientific Research Quarterly journal isuee 4, 19-33
15) Sajadi, Jafar (1984) , Tehran, Falsafeh Publisher
16))Suhrawardi, Shahab Al-Din (1994) , Volume2: Translate and Introduce by Henry Corbin, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی